



دفاع علامه طباطبایی از اندیشه‌های ناب اسلامی در پرتو نقد روایات خرافی تفسیری

دفاع از اندیشه‌های ناب اسلامی در پرتو نقد روایات ضعیف و خرافی تفسیری یکی از کارکردهای حدیث در تفسیر المیزان است؛ یعنی علامه طباطبایی گاهی برخی روایات را به انگیزه نقد و رد کردن در تفسیر خود می‌آورد تا بگوید این روایات حجت نیست.

دفاع از اندیشه‌های ناب اسلامی در پرتو نقد روایات ضعیف و خرافی تفسیری یکی از کارکردهای حدیث در تفسیر المیزان است؛ یعنی علامه طباطبایی گاهی برخی روایات را به انگیزه نقد و رد کردن در تفسیر خود می‌آورد تا بگوید این روایات حجت نیست.

مجید معارف، استاد دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، اظهار کرد: علامه طباطبایی معتقد است که پی‌بردن به مراد جامع سه دسته از آیات قرآن کریم تنها در پرتو احادیث صورت می‌گیرد؛ آیات الاحکام، آیات معاد و آیات مربوط به قصص انبیاء و سرگذشت اقوام و ملل پیشین این موارد هستند.

استاد دانشگاه تهران بیان کرد: علامه طباطبایی خارج از این سه حوزه - مانند اعتقادات و اخلاقیات و اجتماعیات - قائل به استفاده مستقیم از روایات نیست، اما معتقد است روایات وارده ذیل همین دسته از آیات اگر مطالعه شود، ملکه تفسیر قرآن به قرآن را در ما پرورش می‌دهد، این روش و خلاقیت ذهنی در پرتو مطالعه و تدبر در روایات تفسیری ایجاد می‌شود.

وی ادامه داد: علامه طباطبایی پس از تفسیر بخشی از آیات بابی را تحت عنوان ««بحثی از نظر روایات» باز می‌کند و دیگر فرقی نمی‌کند که آیات از جنس آیات معاد یا آیات الاحکام و یا سرگذشت انبیاء و گذشتگان باشد یا نباشد؛ یعنی در حقیقت دیگر کاری به جنس آیات ندارد و این روش در کل تفسیر ساری و جاری است.

معارف با بیان اینکه علامه طباطبایی در بیان روایات سعه صدر زیادی دارد و در بیان روایات از تفاسیر شیعه و اهل سنت استفاده می‌کند، گفت: البته اهل سنت در بیان روایات قول صحابی و تابعی را نیز جزء روایات به‌شمار می‌آورند، اما مرحوم علامه در منابع اهل سنت مثل الدر المنثور، تفسیر طبری و تفسیر ابن‌کثیر، فقط از روایات شخص رسول اکرم (ص) استفاده می‌کند، ضمناً علامه از تفسیر الدر المنثور به دلیل جامعیت آن زیاد به نقل روایات می‌پردازد.

استاد دانشگاه تهران عنوان کرد: علامه طباطبایی در بین تفاسیر شیعی از تفاسیر علی ابن ابراهیم قمی، عیاشی، البرهان، نورالثقلین و منابع مختلف روایات تفسیری استفاده می‌کند و طبعاً روایات تفسیری ائمه اطهار (ع) از روایات و مصادیق بارز روایات تفسیری در دیدگاه علامه به حساب می‌آید.

وی خاطرنشان کرد: علامه طباطبایی از روایات به روش‌های مختلفی استفاده می‌کند؛ به‌طور مثال گاه می‌گوید: ««هذا يُؤيد ما قلنا»، منظور علامه از این سخن این است که حرف ما - که آن را از طریق تفسیر قرآن به قرآن زدیم - توسط این روایت تأیید می‌شود؛ بنابراین یکی از کارکردهای حدیث در المیزان پشتوانه‌سازی برای اندیشه‌های ناب تفسیر قرآن به قرآن علامه است.

معارف ادامه داد: کارکرد دوم روایت در تفسیر المیزان رفع ابهام از تفسیر يك آیه است، هنگامی که آیه جزء سه دسته آیات معاد، احکام و یا سرگذشت پیشینیان باشد و گاه نیز پیش می‌آید که در مورد این سه دسته علامه روایات را در متن تفسیر می‌آورد؛ زیرا در این موارد حدیث جزء بخشی از تفسیر به حساب می‌آید.

این محقق و قرآن‌پژوه با اشاره به سومین کارکرد حدیث در تفسیر المیزان اضافه کرد: دفاع از اندیشه‌های ناب اسلامی در پرتو نقد روایات ضعیف و خرافی تفسیری یکی دیگر از کارکردهای حدیث در تفسیر المیزان است؛ یعنی علامه طباطبایی روایت را به انگیزه نقد و رد کردن در تفسیرش می‌آورد تا بگوید اگر تاکنون از این روایات در ذیل آیات قرآن به عنوان سخن رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بهره برده‌اید، توجه داشته باشید که این روایات حجت نیست.

وی بیان کرد: علامه طباطبایی برای اینکه در حوزه نقد دستش را باز نگاه دارد تا بتواند يك روایت را که حاوی مفهوم خرافی است به راحتی حذف کند، دایره حجیت خبر واحد را محدود می‌کند. یکی از دیدگاه‌های برجسته ایشان که با نظر برخی از قرآن‌پژوهان دوران معاصر مانند آیت‌الله‌العظمی خویی یا آیت‌الله معرفت تقابل ویژه‌ای دارد، همین مطلب است که محدودیت ویژه‌ای به خبر واحد می‌دهد.

معارف گفت: از قدیم در مورد حجیت خبر واحد که آیا عام است یا خاص، بحث و تبادل نظر بوده و بسیاری از علما اعتقاد به حجیت عام خبر واحد دارند و برایشان مهم نیست که خبر واحد در حوزه فقه باشد یا کلام و اخلاق و تاریخ و تنها می‌گویند اگر خبر واحد صحیح باشد و سلسله روات و ناقلانش موثق باشند، در هر خصوصی که باشد نقل آن بلامانع است.

استاد دانشگاه تهران با بیان این‌که علامه طباطبایی از جمله معدود کسانی است که حجیت خبر واحد را فقط در خصوص فقه می‌داند، اظهار کرد: علامه می‌گوید تنها خبر واحد فقهی حجیت شرعی دارد، اما خبر واحد غیرفقهی حجیت شرعی ندارد؛ معنی این سخن این است که به ملاحظه اندک تعارضی که خبر واحد تاریخی یا اعتقادی یا اخلاقی با نصوص قرآن و یا منطق عقل داشته باشد، خبر قاطعانه رد می‌شود.

وی با بیان اینکه مهم‌ترین معیار علامه طباطبایی برای نقد يك خبر، معیار متنی است، تصریح کرد: علامه با مقایسه متن يك حدیث با نصوص قرآن، آن حدیث را مورد نقد قرار می‌دهد، اما گاهی نیز به سراغ نقد سند می‌رود و ممکن است اعتبار حدیثی را به خاطر سند ضعیف آن و وجود روایانی که مشهور به کذب و جعل هستند، مورد چالش قرار دهد.

معارف در پاسخ به این سؤال که آیا با توجه به مجموعه تفسیر المیزان می‌توان يك دوره کتاب در رابطه با مسائل علوم قرآنی با توجه به اعتقادات مورد قبول شیعه نوشت به‌طوری که المیزان مشکلات موجود در این رابطه را از بین ببرد، گفت: سال‌ها قبل آثاری در این زمینه به وجود آمد که شامل چند جلد کتاب مثل علوم قرآنی در تفسیر المیزان بود، اما این کتاب‌ها بیشتر جنبه جمع‌آوری و گردآوری داشت.

وی در ادامه توضیحاتش گفت: تا امروز کوشش‌هایی در این زمینه صورت پذیرفته است؛ مانند مباحث مربوط به اعجاز المیزان که در قالب کتابی با نام «اعجاز قرآن از نظر علامه طباطبایی» چاپ شده است، در حالی که علامه شخصاً در این زمینه کتابی تألیف نکرده است، کما اینکه کتابی با عنوان تاریخ قرآن و مباحث آن با نام علامه طباطبایی می‌بینیم، در حالی که محققاً علامه غیر از کتاب قرآن در اسلام کتبی با این عناوین ندارد.

این قرآن‌پژوه اظهار کرد: بنابراین، این کار تا زمان حاضر صورت پذیرفته است، ضمن اینکه پایان‌نامه‌های زیادی نیز در مورد دیدگاه‌های علامه در المیزان و یا دیدگاه‌های علامه در مقایسه با دیگر علماء نوشته شده است، اما در مجموع صبغه گردآوری در این آثار بیشتر از صبغه نقد و تحلیل و فشرده‌نویسی و استخراج نظریات علامه طباطبایی است.

معارف در پایان سخنانش اذعان کرد: تا امروز کتابی که به‌طور کامل حاوی دیدگاه‌های علامه طباطبایی در رابطه با علوم قرآنی در موضوعات گوناگون باشد گردآوری نشده است، اگر کتابی شامل عناوین علوم قرآنی مطابق نظر علامه و دیگر علمای شیعه تألیف شود، می‌تواند به بسیاری از مشکلات موجود پاسخ دهد، البته این مطلب همت علمی بالا می‌طلبد و جای چنین پژوهشی در میان قشر دانشگاهی خالی است.